

شکر خدا که صدایش پیر نمی شود!

آوازهایی در باران - ۱۰: خسرو خسروشاهی به جای آل پاچینو

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم ویژه نامه روز ملی سینما

زمان انتشار : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۸۵

ما دست کم پنج شش دوبلور مرد و سه چهار دوبلور زن داشته ایم و داریم که تصور تاریخ سینما بدون آنها ناممکن می نماید؛ ولی بیش از همه، واقعاً اگر صدا و شیوه «شیک» و معترض خسروشاهی نبود، برای این همه نقش های عاصی که همه گوشه و کنار سینما را از روشنفکرانه ترین رده ها تا فیلم های هندی پر کرده اند، چه کار می خواستیم بکنیم؟ الآن خیلی ها حالت اعتراض های عصبی و گله مندی تر و تمیز خسروشاهی را تقلید و تکرار می کنند، ولی تا پیش از وجود و ورود صدای او، واقعاً می شد تصور کرد که چنین الگوی خاص و تعمیم ناپذیری بتواند به صدای روتین و نمونه ای آدم های شاکی بدل شود و از داستین هافمن تا فرزانه دلجو، از آلن دلون تا کوین کاستنر و از آمیتاب باچان تا شاهرخ خان، این همه جا جواب بدهد؟!

خسروشاهی برای آل پاچینو که بازیگر بسیار کم مشابه و الگوناپذیری است هم مناسب ترین گزینه تاریخ ساز دوبلاژ ایران بود. بازیگر کوتاه قامت با آن چشمان نافذش، مثل هر متدیست بزرگ دیگری هم در سبکش عصیانگر بود و هم غالباً نقش آدم های عصیانگر و ضدسیستم را بازی می کرد. ولی برعکس عصیانگر اصیل دیگری مثل هم نسلش دنیرو (مثلاً در گاو خشمگین یا تسخیرناپذیران)، عصیان او هیچ گاه جلوه و act شدید و چشمگیر فیزیکی نداشت (منهای استثنای بیهوده خشن صورت زخمی که لابد بابت همین برونگرایی خشونت، از خیلی نقش های دیگر و بازی های بهتر پاچینو در بین عشاق ظاهر بین بازیگری در ایران محبوب تر است). بنابراین، طغیان های پنهان پاچینو در قالب پلیس ضدجریان، وکیل دور از زد و بند یا حتی رئیس مافیای تکر و بی اعتنا به حرف دیگران، فقط لحنی تهدیدآمیز می خواست که خسروشاهی ضمن حفظ متانت ظاهری صدا، آن را در کلام شخصیت جاری می کرد. جلوه بارز و به یاد ماندنی این نوع اجرای او آن دیالوگ های هراس آور مایکل کورلثونه در پدرخوانده (فرانسیس فورد کاپولا، ۱۹۷۲) بود که همسرش کی یا دامادش کارلو را تهدید می کرد که سؤال کردن یا دروغ گفتن شان را بعد از این دیگر تحمل نخواهد کرد؛ ولی ترس و تأثیر ناشی از تهدیدش را به سبک و سیاق خود پاچینو نه با فریاد و صدای بلند، بلکه با نوعی مکث و ذخیره

کردن انرژی منفی و عصبیت به دست می آورد. خود پاچینو این انرژی را در چشمانش جمع و ساطع می کرد و خسروشاهی در طنین ترسناکی که به صدای یکنواخت و بی خدشه اش می داد.

دوبلور باسابقه ما حالا دیگر سن و سالی ازش گذشته؛ اما چون صدایش همان طراوت و لطافت جوانی را به میزان قابل ملاحظه ای نگه داشته، هنوز برای نقش جوانان عاصی، جایگزین بهتری ندارد. و ضمناً وقتی می خواهد پا به پای بازیگر بزرگ پیش بیاید و نقش های دوران پا به سن گذاشتن پاچینو را هم بگوید، مثل دو قسمت بعدی پدرخوانده در دوبلاژ تلویزیونی یا نقش چالش برانگیز ویل دورمر در بی خوابی (کریستوفر نولان، ۲۰۰۲)، باید خودش کمی خَس و خِس و لرزش در آن به وجود بیاورد. حنجره خود پاچینو از فارسی گوی همراهش زودتر پیر شده.